

کتاب یوئیل و کلیسای لائودیکیه ادونتیست‌های روز هفتم

- شماره سی و پنجم

Jeff Pippenger

2026-01-27

شماره سی و پنج

در صفحه ۸۱ از کتاب Early Writings (و «۸۱» نمادی است از یک کاهن اعظم الهی و هشتاد کاهن)، رؤیای دوم ویلیام میلر ثبت شده است. همانند نبوکدنصر، ویلیام میلر نیز دو رؤیا داشت. رؤیای دوم نبوکدنصر در فصل چهارم دانیال، در چارچوب «هفت زمان» موسی در لاویان ۲۶ قرار دارد. میلر هنگامی که درباره ۲,۵۲۰ تعلیم می‌داد، از فصل چهارم دانیال برای تبیین «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش استفاده کرد، هرچند آن را «هفت زمان» می‌نامید. میلر تشخیص نداد که به وسیله نبوکدنصر نمونه‌سازی شده بود، اما ۲,۵۲۰ روز نبوکدنصر در فصل چهارم، هم به وسیله واژه «پراکنده ساز» و هم به واسطه این واقعیت که پیش از رسیدن مرد برس خاک، «هفت زمان» روی می‌دهد، به تصویر کشیده شده است.

سیستر وایت میلر را «پدر میلر» می‌نامد، اما نه به شیوه بت‌پرستانه‌ای که کاتولیک‌ها به کار می‌برند، بلکه به شیوه‌ای پدرسالارانه، همانند پدر ابراهیم. میلر یک نماد است؛ او مرد عهد است و زنجیره نمادهای کتاب مقدسی را در مسیر عهد نهایی با صد و چهل و چهار هزار نفر نمایندگی می‌کند. یوئیل به ما آگاه می‌سازد که در ایام آخر، پیران خواب‌ها خواهند دید، و ویلیام میلر پیرمرد تاریخ ماست، و نیز آن کشاورزی است که نبوت ویلیام تبذیل را تحقق بخشید؛ نبوتی که می‌گوید: «اگر خدا جانم را حفظ کند، پیش از آنکه سال‌های بسیاری بگذرد، پسری را که گاواهن می‌راند چنان خواهم ساخت که از کتاب مقدس بیش از تو بداند.»

«خداوند فرشته خود را فرستاد تا بر دل کشاورزی که به کتاب مقدس ایمان نداشت تأثیر نهد و او را به جست‌وجوی نبوت‌ها رهنمون سازد. فرشتگان خدا بارها آن برگزیده را دیدار کردند تا ذهن او را هدایت کنند و نبوت‌هایی را که همواره برای قوم خدا تاریک مانده بود، بر فهم او بکشایند. آغاز زنجیره حقیقت به او داده شد، و او هدایت گردید تا پیوندی پس از پیوندی دیگر را بجوید، تا آن‌گاه که با شگفتی و تحسین به کلام خدا نگریست. او در آنجا زنجیره‌ای کامل از حقیقت را دید. آن کلامی که او آن را غیرالهامی پنداشته بود، اکنون با زیبایی و جلالش در برابر دیدگانش گشوده شد. او دید که بخشی از کتاب مقدس بخش دیگر را توضیح می‌دهد، و چون فرازی برای فهم او بسته می‌ماند، در بخش دیگری از کلام آنچه را می‌یافت که آن را تبیین می‌کرد. او کلام مقدس خدا را با شادی و با عمیق‌ترین احترام و خشیت می‌نگریست.» Early Writings, 230.

Miller همان دهقانی بود که پیشگویی Tyndale را به انجام رسانید، و نخستین انتشار او از معرفت نبوی‌ای که از گشوده شدن Daniel 8:14 گرد آورده بود، در سال 1831 بود؛ دویست و بیست سال پس از انتشار نسخه King James از کتاب مقدس. John Wycliff، William Tyndale، و انتشار کتاب مقدس King James در 1611، سه نشانه راه را نمایندگی می‌کنند که نبوت دویست و بیست‌ساله را آغاز می‌کند؛ نبوتی که آنگاه پایان می‌یابد که پسر شخم‌زن Tyndale کلام خدا را به پیام فرشته اول بگشاید، پیامی که قرار بود دو فرشته دیگر در پی آن بیایند. آن فرشته اول در 1798 آمد و سومی در 1844. Wycliff، Tyndale و King James با آن دهقان پیوند می‌یابند که پیش‌بینی Tyndale را محقق می‌ساخت و که تاریخ سه فرشته را از 1798 تا 1844 نمدپردازی می‌کرد.

اکتشافِ الفای ویلیام میلر عبارت بود از ۲,۵۲۰ سالِ لاویان باب بیست و شش، و اکتشافِ اُمگای او ۲,۳۰۰ سالِ دانیال ۸:۱۴ بود. پراکندگی ۲,۵۲۰ سالهٔ یهودا در ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شد و در ۱۸۴۴ پایان یافت. ۲,۳۰۰ سالِ دانیال ۸:۱۴ در ۱۸۴۴ به پایان رسید. هر دو با هم در ۱۸۴۴ خاتمه یافتند، و نقطهٔ آغازِ اکتشافاتِ الفا و اُمگای ویلیام میلر دویست و بیست سال از یکدیگر فاصله داشت. «دویست و بیست» نمادی از ویلیام میلر است، بر مبنای دو شاهد. اکتشافاتِ الفا و اُمگای میلر به وسیلهٔ ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ نمایانده می‌شوند. پراکندگی ۲,۵۲۰ ساله علیه پادشاهی شمالی در ۱۷۹۸ پایان یافت، و چهل و شش سال بعد، در ۱۸۴۴، ۲,۳۰۰ سال به پایان رسید.

۲,۵۲۰ سالی که در ۱۷۹۸ به پایان رسید، آن تاریخ را مشخص می‌سازد، و ۲,۵۲۰ سال بر ضد یهودا که در ۱۸۴۴ پایان یافت، دوره‌ای دویست و بیست ساله پدید می‌آورد. این بدان معناست که ۲,۵۲۰ سال بر ضد اسرائیل، دورهٔ نبوی چهل و شش سال را پدید می‌آورد، و ۲,۵۲۰ سال بر ضد یهودا، دورهٔ نبوی دویست و بیست سال را. آلفای آن دوره ۶۷۷ ق.م. است و اومگای آن ۴۵۷ ق.م.، که بدین معناست آلفای دورهٔ چهل و شش ساله و دورهٔ دویست و بیست ساله به وسیلهٔ ۲,۵۲۰ بازنمایی می‌شود، و اومگای هر دو خط ۲,۳۰۰ است. این دو «پراکنده‌سازی» ۲,۵۲۰ ساله، دو شاهد برای دوره‌ای فراهم می‌آورند که با ۲,۵۲۰ آغاز می‌شود و با ۲,۳۰۰ پایان می‌یابد. هر دوی آن خطوط، اکتشافاتِ آلفا و اومگای ویلیام میلر را مشخص می‌سازند.

«خوابِ ویلیام میلر»

«در خواب دیدم که خدا به وسیلهٔ دستی نادیدنی، صندوقچه‌ای ظریف ساخت و شگفت‌پرداخت، به طول تقریباً ده اینچ و عرض و عمق شش اینچ، از آبنوس و مروارید با ظرافت مرصع‌شده، برای من فرستاد. کلیدی نیز به آن صندوقچه آویخته بود. بی‌درنگ کلید را برگزفتم و صندوقچه را گشودم؛ آنگاه، در نهایت شگفتی و حیرت، دیدم که از انواع و اندازه‌های گوناگون جواهرات، الماس‌ها، سنگ‌های گران‌بها، و سکه‌های زر و سیم از هر اندازه و ارزش، انباشته است، که هر یک به زیبایی در جای خود در صندوقچه چیده شده بودند؛ و چون بدین‌گونه مرتب شده بودند، نوری و جلالی بازمی‌تاباندند که جز با خورشید برابری نمی‌کرد.»

«گمان کردم که وظیفهٔ من نیست که به تنهایی از این منظرهٔ شگفت‌انگیز بهره‌مند شوم، هرچند دلم از درخشندگی، زیبایی و ارزش محتویات آن سرشار از شادی بود. از این‌رو آن را بر میزی در وسط اتاقم نهادم و خبر دادم که هر که میلی دارد، بیاید و باشکوه‌ترین و درخشان‌ترین منظره‌ای را که انسان در این زندگی هرگز دیده است، مشاهده کند.»

"لوگ آنا شروع ہوئے، ابتدا میں تعداد کم تھی، مگر بڑھتے بڑھتے ہجوم بن گیا۔ جب انہوں نے پہلی بار صندوقچے کے اندر جھانکا، تو وہ حیران ہوتے اور خوشی سے پکار اٹھتے۔ لیکن جب تماشائیوں کی تعداد بڑھ گئی، تو ہر ایک جواہرات کو چھیڑنے لگا، انہیں صندوقچے سے نکال کر میز پر بکھیرنے لگا۔"

jsem si myslet, že si majitel bude znovu žádat rakev i klenoty z mých rukou; místnosti, a kdybych dopustil, aby byly rozptýleny, už bych je nikdy nemohl uložit na jejich místa v rakvi tak jako dříve; a cítil jsem, že bych nikdy nebyl schopen obstát v této odpovědnosti, neboť by byla nesmírná. Tehdy jsem začal prosit lid, aby se jich nedotýkal ani je z rakve nevyndával; ale čím více jsem prosil, tím více je rozhazovali; a nyní se zdálo, že je rozhazují po celém pokoji, po podlaze i po každém kusu nábytku v místnosti,

vi que entre las joyas y monedas auténticas habían esparcido una cantidad auténticas" innumerable de joyas espurias y moneda falsificada. Me indigné grandemente por su

vil proceder e ingratitud, y los reprendí y censuré por ello; pero cuanto más los reprendía, tanto más esparcían las joyas espurias y la moneda falsa entre las auténticas”

«آنگاه در جان جسمانی خود آزرده و خشمگین شدم و آغاز کردم که با نیروی جسمانی آنان را از اتاق بیرون برانم؛ اما در حالی که یکی را بیرون می‌راندم، سه تن دیگر وارد می‌شدند و خاک و تراشه و شن و هرگونه زباله و آشغال را به درون می‌آوردند، تا آنکه همه جواهرات راستین، الماس‌ها و سکه‌ها را پوشانیدند، به گونه‌ای که همگی از نظر پنهان شدند. همچنین صندوقچه مرا پاره‌پاره کردند و آن را در میان آن زباله‌ها پراکندند. گمان می‌کردم هیچ‌کس به اندوه یا خشم من اعتنا ندارد. یکسره دلسرد و شکسته‌دل شدم، و نشستم و گریستم.»

«در حالی که بدین‌سان بر فقدان عظیم خویش و مسئولیت خود می‌گریستم و ماتم می‌گرفتم، خدا را به یاد آوردم و با جدیت دعا کردم که او برایم یاری بفرستد.»

«في الحال انفتح الباب، فدخل رجل إلى الغرفة، وعندئذ خرج الناس جميعاً منها؛ وأخذ، وفي يده فرشاة للغبار، يفتح النوافذ، وشرع يكنس الأوساخ والقمامة من الغرفة.»

«من به او التماس کردم که دست نگه دارد، زیرا چند جواهر گران‌بها در میان آوار پراکنده بود.»

او به من گفت: «مترس»، زیرا او «از ایشان مراقبت خواهد کرد».

«سپس، هنگامی که او خاک و خاشاک را می‌روفت، جواهرات بدلی و سکه‌های تقلبی همه چون ابری برخاستند و از پنجره بیرون رفتند، و باد آن‌ها را با خود برد. در آن هیاهو، برای لحظه‌ای چشمانم را بستم؛ چون آن‌ها را گشودم، همه زباله‌ها ناپدید شده بود. جواهرات گران‌بها، الماس‌ها، سکه‌های طلا و نقره، به فراوانی در سراسر اتاق پراکنده افتاده بودند.»

او سپس صندوقچه‌ای را بر روی میز نهاد، بسیار بزرگ‌تر و زیباتر از نخستین، و جواهرات و الماس‌ها و سکه‌ها را مشت‌مشت گرد آورد و در صندوقچه افکند، تا آنکه حتی یکی نیز باقی نماند، هرچند برخی از الماس‌ها از نوک سنجاق نیز بزرگ‌تر نبودند.

سپس مرا فراخواند تا «بیایم و ببینم.»

do szkatuły, lecz moje oczy olśnił ten widok. Lśniły dziesięćkrotnie większą 81–83,, chwałą niż poprzednio. Pomyślałam, że zostały wypolerowane w piasku przez stopy tych bezbożnych ludzi, którzy rozrzučili je i podeptali w prochu. Były ułożone w szkatułę w pięknym porządku, każde na swoim miejscu, bez żadnego widocznego śladu ręki człowieka, który je tam wrzucił. Wydałam okrzyk czystej radości, a ten okrzyk mnie obudził”. Early Writings, 81–83,,

با آغاز از صفحه «81»، رؤیا، به‌عنوان نمادی از کاهنان، تاریخ کار کلیسای لاودیکیه ادونتیست‌های روز هفتم را در نابود ساختن حقایق بنیادی‌ای که الوهیت از طریق بشریت ویلیام میلر گرد آورده بود، مشخص می‌سازد. این تاریخ هنگامی پایان می‌یابد که میلر «از فرط شادی فریاد برآورد» و آن فریاد او را «بیدار» کرد. تاریخی که در رؤیا بازنمایی شده است، در فریاد بلند فرشته سوم به پایان می‌رسد، که اوج فریاد نیمه‌شب است. روایت تاریخی رؤیای میلر همچنین علائم راه تاریخ میلریتی را بازنمایی می‌کند، و بنابراین، تاریخ موازی جنبش صد و چهل و چهار هزار را نیز بازنمایی می‌نماید. به همان اندازه مهم این است که بازنمایی تاریخی رؤیا همچنین دربرگیرنده یک فراکتال نبوی از تاریخی است که در سال 2023 آغاز به تکرار کرد.

جواہر حق کہ در تاریخ یکصد و چہل و چہار ہزار تن شناختہ شدہ بود، در سال ۲۰۰۴ در سجلّ عمومی ثبت گردید و سپس بار دیگر در سال ۲۰۱۲، آنگاہ کہ ارائہٴ «جداول حقوق» گروہی را گرد آورد کہ مقدّر بود پراکنده شوند۔ آن حقایق در سال ۲۰۰۴ بر میز نہادہ شد، با نخستین ارائہٴ حقایقی کہ در سال ۱۹۸۹ از مہر گشودہ شدہ بودند۔ در آن زمان «اندکی» بہ این پیام توجہ کردند، اما در سال ۲۰۱۲، مجموعہٴ ۹۵ ارائہٴ با عنوان «جداول حقوق» جماعتی عظیم را بہ میان آورد، زیرا «مردم آغاز بہ آمدن کردند، نخست اندک شمار، اما رفتہ رفتہ بہ جماعتی انبوه فزونی یافتند»۔

از سال ۲۰۱۲ تا ۱۸ ژوئیہٴ ۲۰۲۰، آن حقایق بہ تدریج پراکنده و زیر آوار زبالہ پوشانده شد۔ در ۱۸ ژوئیہٴ ۲۰۲۰، حامیان پیام الواح حقوق برای مدتی سہ روز و نیم پراکنده شدند۔

و چون شہادت خویش را بہ پایان رسانند، آن وحش کہ از ہاویہ برمی آید با ایشان جنگ خواہد کرد و بر ایشان چیرہ خواہد شد و ایشان را خواہد کشت۔ و اجساد ایشان در کوچہٴ آن شہر عظیم خواہد افتاد، شہری کہ از لحاظ روحانی، سدوم و مصر خواندہ می شود، همان جا کہ خداوند ما نیز مصلوب شد۔ و مردمانی از قوم ہا و قبایل و زبان ہا و امت ہا، اجساد ایشان را سہ روز و نیم خواہند دید و نخواہند گذاشت کہ اجساد ایشان در قبر ہا نہادہ شود۔ و ساکنان زمین بر ایشان شادی خواہند کرد و بہ وجد خواہند آمد و برای یکدیگر ہدیہ ہا خواہند فرستاد، زیرا این دو نبی ساکنان زمین را عذاب می دادند۔ مکاشفہ ۱۱:۷-۱۰

در روز سبت، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳، «America» America for از طریق یک نشست زوم بہ نخستین گردہمایی عمومی خود از ۱۸ ژوئیہٴ ۲۰۲۰ بہ این سو پیوست۔ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳، ۱۲۶۰ روز پس از ۱۸ ژوئیہٴ ۲۰۲۰ است، یا «سہ روز و نیم»۔ در حالی کہ ایلیا و موسی در کوچہ بر زمین افتادہ و مردہ بودند، آن طبقہٴ دیگر «شادمانی می کند»۔ «America» America for در ژوئیہٴ ۲۰۲۳ بہ انتشار پیام نبوتی بازگشتہ بود، زیرا پیامی کہ در آن زمان می بایست بہ تمامی زمین برسد، بنا بر ضرورت نبوتی می بایست از «بیابان» صادر شود۔ سہ روز و نیم، یا ۱۲۶۰ روز، بیابان است۔

اور وہ عورت بیابان میں بھاگ گئی، جہاں خدا کی طرف سے اُس کے لیے ایک جگہ تیار کی گئی تھی، تاکہ وہاں وہ اُسے ایک ہزار دو سو ساٹھ دن تک کھلائیں۔ مکاشفہ 12:6۔

«بیابان» همان «یک ہزار و دویست و شصت روز» است، یعنی ۱۲۶۰ روز، کہ ہمچنین «سہ روز و نیم» نیز ہست، و در مکاشفہ ۱۲:۶ بہ تصویر کشیدہ شدہ است؛ و «۱۲۶۰» یک دہم ۱۲۶۰ است۔ یکی از حقایق شگفت انگیزی کہ در آن هنگام مہرگشایی شد، ضرورت توبہ بود، در تحقق دعای «ہفت بار» در لاویان بیست و شش۔

۱۲۶۰ روز ہمچنین نمادی از ۲،۵۲۰ روز است۔ «ہفت زمان» بر ضد پادشاہی شمالی در سال ۷۲۳ ق.م. آغاز شد و در ۱۷۹۸ پایان یافت۔ نقطہٴ میانی ۵۳۸ است، و بدین سان ۱۲۶۰ سال پدید می آید کہ در طی آن بت پرستی مقدس و لشکر را پایمال کرد، و پس از آن ۱۲۶۰ سال دیگر کہ در آن پاپ گرایی مقدس و لشکر را پایمال نمود۔ این ساختار نبوی با ۱۲۶۰ روز از تعمید مسیح تا صلیب ہمراستا است، کہ پس از آن ۱۲۶۰ روز نبوی تا سال ۳۴ میلادی ادامہ می یابد، زمانی کہ انجیل بہ سوی امت ہا رفت۔ پس، بر شہادت دو شاہد، ۱۲۶۰ بخشی از ۲،۵۲۰ روز است، یا همان «ہفت زمان» موسی در لاویان بیست و شش۔

بیابان کے دور میں جو سبت، 18 جولائی 2020 سے سبت، 30 دسمبر 2023 تک شروع ہوا، جولائی 2023 میں آواز نے پکارنا شروع کیا، اور جب "بیابان" کا دور سبت، 30 دسمبر 2023 کو ختم ہوا تو موسیٰ اور ایلیاہ کی قیامت آپہنچی۔ اس آواز کے پیغام نے واضح کیا کہ ہر اصلاحی تحریک میں پہلی متوازی مایوسیوں کا راہ نما نشان، دس کنواریوں کی تمثیل کے سیاق میں، 18 جولائی 2020 کی جھوٹی پیش گوئی کی توضیح کرتا ہے۔ اس نے مردوں اور عورتوں کو اس توبہ کی طرف بلایا جس کی نمائندگی

احبار چھبیس کی دعا کرتی ہے۔ ملر کا خواب بعینہ اسی توبہ کی نمائندگی کرتا ہے جب وہ لکھتا ہے، "جب میں یوں اپنے بڑے نقصان اور اپنی جواب دہی پر روتا اور ماتم کرتا تھا، تو مجھے خدا یاد آیا، اور میں نے نہایت اخلاص سے دعا کی کہ وہ میری مدد کے لیے کسی کو بھیجے۔"

آؤ اور دیکھو

رؤیای میلر بہ وسیلہ دو تعبیر «بیا و ببین» تقسیم می شود. بار نخست، میلر مردم را دعوت می کند که «بیا و ببین»؛ و بار دوم، «مردِ جاروپِ خاک» میلر را دعوت می کند که بیاید و ببیند. «بیا و ببین» نمادی نبوی است که حقیقتی نبوی را که مهر آن گشوده شده است، مشخص می سازد. هر یک از چهار مهر نخست، فرمان «بیا و ببین» را در بر دارد.

و دیدم هنگامی که برّہ یکی از مُهرها را گشود، یکی از آن چهار حیوان را شنیدم که چون آواز رعد می گفت: بیا و ببین. ... و چون مهر دوم را گشود، حیوان دوم را شنیدم که می گفت: بیا و ببین. ... و چون مهر سوم را گشود، حیوان سوم را شنیدم که می گفت: بیا و ببین. ... و چون مهر چهارم را گشود، آواز حیوان چهارم را شنیدم که می گفت: بیا و ببین. مکاشفه ۱:۶، ۳، ۵، ۷.

a viz" na počátku Millerova snu je alfa a závěrečné „pojď a viz" je omega. Sen slunce, ztotožňuje odpečetění na počátku snu s drahokamy, které, když „byly uspořádány, odrážely světlo a slávu, jež se vyrovnaly pouze slunci". Když Kristus vyzval Millera, aby „přišel a viděl" omegu, Miller říká: „můj zrak byl tím pohledem oslněn. Zářily desetkrát větší slávou než dříve." Světlo alfy bylo jako slunce a světlo omegy bylo desetkrát jasnější než slunce,

بکھیر دو

سوگواری و توبہ میلر در پایان دورہ ای به تصویر کشیده شده است که با نخستین «بیا و ببین» آغاز شد و با آخرین «بیا و ببین» پایان می یابد. در دورہ ای که با گشودن مهر پیامی برای قوم به دست میلر آغاز می شود و سپس با گشودن مهر پیامی برای میلر به دست مسیح پایان می پذیرد، واژه «پراکنده کردن» «هفت بار» نمود یافته است. میلر این واژه را بار دیگر نیز به کار خواهد برد، اما میان نخستین و آخرین گشودن مهر، «پراکنده کردن» «هفت بار» بیان شده است. کتاب مقدس داور «هفت بار» را با این واژه، یعنی «پراکنده کردن»، مشخص می سازد.

و شما را در میان امت ها پراکنده خواهیم ساخت، و شمشیری از پی شما برهنه خواهیم کرد؛ و زمین شما ویران خواهد شد، و شهرهایتان خراب. لاویان ۲۶:۳۳.

نخستین حقیقتی که میلر کشف کرد، «هفت زمان» لاویان بیست و شش بود، و در رؤیای او، در فاصله میان انتشار پیام میلر و انتشار پیام مسیح، همه حقایق بنیادی ای که با کار ویلیام میلر نمایندگی می شدند، می بایست با خاکروبه و سکه های تقلبی الاهی دانان ادونتیسزم روز هفتم لائودیکه پوشانده شوند. آن رد حقایق بنیادی، به صورت هفت پراکندگی در درون تاریخ میان آلفا و امگا به تصویر کشیده شده است. «هفت زمان» نمادی از کار ویلیام میلر است، که خود شالوده های ادونتیسزم روز هفتم را تشکیل می دهد؛ شالوده ای که در آن، ۲۳۰۰ روز دانیال ۸:۱۴ ستون مرکزی همان بنیاد است. آنچه این امر مشخص می سازد این است که ۲۵۲۰ سال پراکندگی، که نخستین، یا کشف آلفای ویلیام میلر بود، آغاز دورہ ای را نشان می دهد که با کشف امگای ویلیام میلر، یعنی ۲۳۰۰ روز، به پایان رسید.

.Cuando el Adventismo del Séptimo Día laodicense dejó de lado los «siete tiempos» en 1863, dejó de lado el primer descubrimiento de William Miller, que sería su

descubrimiento alfa y su descubrimiento fundamental. El último de los descubrimientos de Miller fue el de los 2.300 días, que fue su descubrimiento omega y su descubrimiento culminante. Los «siete tiempos» que concluyeron en 1798 señalaron los 2.520, y los 2.300 días fueron señalados en 1844

दिए बखिर बार सात वे जब, है करता इकट्ठा को रत्नों उन साथ के ब्रश वाले झाड़ने धूल जो है मनुष्य वह यह चमकती उज्ज्वल अधिक गुना दस से सूर्य और, है जाती हो सुंदर अधिक और बड़ी पेटिका-रत्न वह तब है। जाते का मलिर प्रकार इस है। चमकते पर परीक्षा की दनि के सूर्य रत्न वे इसलए; है प्रतीक का परीक्षा दस है। साथ के पुकार ऊँचे की स्वर्गादूत तीसरे समय के व्यवस्था की रविवार और है होता आरम्भ में 1798 स्वप्न है। होता समाप्त

تاریخ میلری ها از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳، همچنین تاریخ از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه‌ای نزدیک الوقوع است. تاریخی که در رؤیای ویلیام میلر به تصویر کشیده شده و میان زمانی رخ می‌دهد که میلر می‌گوید «بیا و ببین» تا زمانی که مردِ جاری خاک می‌گوید «بیا و ببین»، هم دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳ است و هم دوره ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه. خطی که در ۱۸۶۳ پایان می‌یابد، فراکتال نبوی خطی است که در ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و به قانون یکشنبه ختم می‌گردد. هر دوی این خطوط در رؤیای میلر به تصویر کشیده شده‌اند.

در بسته در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، نمونه‌ای از در بسته در هنگام قانون یکشنبه است. نبوت ۲۳۰۰ ساله که در سال ۱۸۴۴ به انجام رسید، نمونه‌ای از قانون یکشنبه است.

«آمدن مسیح به عنوان کاهن اعظم ما به اقدس‌الاقداص، برای تطهیر قدس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذاشته شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خویش، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحد هستند؛ و این امر همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ توصیف کرده است، به تصویر کشیده شده است.» نبرد عظیم، ۴۲۶.

سطرها

اومگای اکتشافات میلر، نبوت ۲,۳۰۰ ساله بود؛ از این رو، هم ۱۸۴۴ و هم قانون یکشنبه به وسیله ۲,۳۰۰ سال نمایانده می‌شوند. این بدان معناست که ۲,۵۲۰ آلفا و ۲,۳۰۰ اومگای هر دو خط هستند؛ یک خط در ۱۸۶۳ به پایان می‌رسد، و خط دیگر در قانون یکشنبه خاتمه می‌یابد. در هر دو خط، نبوت ۲,۵۲۰ آلفا، یا سنگ بنیاد، است. فراکتال ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳ در تاریخ بنیادی میلری‌ها، همچنین با فراکتال دیگری در تاریخ اومگا، سنگ سرزاویه، یکصد و چهل و چهار هزار نیز هم‌راستا است.

در ۹/۱۱، خدا قوم خود را فراخواند تا به راه‌های قدیم ارمیا بازگردند؛ راه‌هایی که همان بنیادها هستند، و این بنیادها نیز به نوبه خود به وسیله پیام‌آور تاریخ بنیادی نمایانده می‌شوند، و او نیز به نوبه خود به وسیله کشف آلفای بنیادی خویش از «هفت زمان» نمایانده می‌شود. «هفت زمان» نماد بنیادهای صد و چهل و چهار هزار است، و در ۹/۱۱، مهر شدن آن گروه با پیام آزمایش‌کننده بنیادها آغاز شد؛ پیامی که به وسیله نخستین حقیقت بنیادی ویلیام میلر و ادونتیسیم نمایانده می‌شود. در ۹/۱۱ زمان مهر شدن آغاز شد، و در قانون یکشنبه قریب الوقوع، زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار به پایان می‌رسد.

यह प्रकार इस और, है होता समाप्त पर 2,300 और है होता आरम्भ से 2,520 जो है फ़ैक्टल एक इतिहास यह गया किया में स्वप्न के मलिर वलियम नरूपण जिसका है रेखा तीसरी वह की इतिहास के भविष्यवाणी इतिहास वह का मसीह, कार्य नरूपति द्वारा रेखाओं दो इन में। 1844 की 2,300 और हुई में 1798 पूर्तकी 2,520 है।

مے سنت کو پاپی ایک یہ ہے! کرتا संयुक्त साथ के मनुष्यता हमारी को दवियता अपनी वह जिसमें है कार्य करने पुनरुत्थापति पर सहिसन उचित उसके को प्रकृत उच्चतर पर प्रकृत निम्न, है कार्य का करने परवर्तति दनि 2,520 में करने पुनरुत्पन्न पूर्णतः को कोशिका प्रत्येक की शरीर को शरीर मानव कारण इसी है। कार्य का दोनों है। आधारति पर होने संयुक्त साथ के गुणसूत्रों स्त्री 23 के गुणसूत्रों पुरुष 23 शरीर वही और, है लगते से 1798 जो, है गया कया द्वारा "46" संख्या नरूपण जिसका, है करते उत्पन्न मन्दिर जीवति एक मलिकर के 1844 से 2,520 के 1798 जो अवधविह की स्वप्न के मलिर वलियिम अर्थात्, है अवधकी तक 1844 है। पहुँचती तक 2,300

خواب ویلیم ملر همچنین شامل فراکتال قابل توجه دیگری است. از 11/9 تا قانون یکشنبه، فراکتالی از 1798 تا قانون یکشنبه وجود دارد، همانگونه که از 1798 تا 1863. از 2023 تا قانون یکشنبه نیز فراکتالی از 11/9 تا قانون یکشنبه است، و این همان تاریخی است که تمامی خطوط درون خواب ملر به آن، به عنوان امگای همه آنها، اشاره می کنند. این همان دوره ای است که در آن حقایق اصلی ده برابر خورشید عظمت می یابند.

دو هیاهو

در دههٔ ۱۸۴۰، واژهٔ «bustle» (به عنوان اسم) معمولاً به معنای فعالیت پر جنب و جوش، پرمشغله، یا پرهیاهو بود—که اغلب همراه با مفهومی از تکاپو، هیجان، شتاب، یا آشفتگی می آمد. این واژه به حرکت زنده و پرتحرک، هیاهو، یا رفت و آمد و جنب و جوش اشاره داشت، خواه در میان جمعیت، در یک خانه، در بازار، یا در جریان رویدادی خاص. از این رو، «bustle» در خواب ملر، آن فوران فوری فعالیت، هیجان، یا اشتغال عاجل را که درست در همان لحظه در جریان بود، توصیف می کرد—آن جنب و جوش یا آشوب گذرای مربوط به وضعیت یا موقعیت حاضر.

میلر می گوید: «آنگاه، هنگامی که او خاک و خاشاک، جواهرات تقلبی و سکهٔ جعلی را می روید، همه برخاستند و همچون ابری از پنجره بیرون رفتند، و باد آنها را با خود برد. در آن هیاهو، لحظه ای چشمانم را بستم؛ چون آنها را گشودم، تمامی زباله ها ناپدید شده بود.»

«هیاهو» در خواب ملر به دو نکته اشاره دارد؛ نخست، هنگامی که جمعیت جواهرات را پراکنده می سازد، و سپس هنگامی که مرد برس خاک، پنجره ها را می گشاید و آغاز می کند به بیرون راندن جواهرات کاذب. نخستین و الفای هیاهو، پوشانده شدن جواهرات است، و دومین و امگای هیاهو، اعادهٔ جواهرات. در خلال هیاهو، میلر چشمان خود را بست. میلر در سال 1849 به آرامگاه سپرده شد، درست در همان نقطه ای که مسیح برای بار دوم دست خود را دراز می کرد تا بقیهٔ قوم خود را گرد آورد. سپس میلر چشمان خود را بست، و در سال 1850 حقایق او بار دیگر بر میزی نهاده شد، در تحقق فرمان حقوق که رؤیا را بنویس و آن را واضح ساز. در آن دورهٔ هیاهو، میلر چشمان خود را می بندد، و هنگامی که بیدار می شود، جواهرات در فرایند اعاده شدن اند.

دومین جنب و جوش در رؤیای او زمانی رخ می دهد که بیرق آن یک صد و چهل و چهار هزار تن در حال احیا شدن، پاک گردیدن و تصفیه یافتن است؛ همان بیرقی که زکریا آن را همچون جواهراتی بر یک تاج معرفی می کند.

اور یہوواہ اُن کے خدا اُس دن اُنہیں اپنی قوم کے گلے کی مانند نجات دے گا؛ کیونکہ وہ تاج کے پتھروں کی مانند ہوں گے، جو اُس کی سرزمین پر جھنڈے کی طرح بلند کیے جائیں گے۔ کیونکہ اُس کی نیکی کیسی عظیم ہے، اور اُس کا حسن کیسا عظیم! غلہ جوان مردوں کو شادمان کرے گا، اور نئی بے کنواریوں کو۔ پچھلی بارش کے وقت یہوواہ سے بارش مانگو؛ سو یہوواہ روشن بادل بنائے گا، اور اُنہیں بارش کی جھڑیاں دے گا، اور ہر ایک کو میدان میں گھاس عطا کرے گا۔ کیونکہ بتوں

نے بطلالت کی باتیں کی ہیں، اور غیب دانوں نے جھوٹ دیکھا ہے، اور جھوٹے خواب سنائے ہیں؛ وہ عبث تسلی دیتے ہیں؛ اس لیے وہ گلے کی مانند اپنی راہ چلے گئے، وہ مصیبت زدہ ہوئے، کیونکہ کوئی چرواہا نہ تھا۔ میرا غضب چرواہوں پر بھڑکا، اور میں نے بکری کے نروں کو سزا دی؛ کیونکہ رب الافواج نے اپنے گلے، یعنی یہوداہ کے گھرانے، کی خبر گیری کی ہے، اور انہیں جنگ میں اپنے شاندار گھوڑے کی مانند بنا دیا ہے۔ زکریاہ 9:16-10:3۔

«رمہ قوم او» ہم علّمی است و ہم سنگھا (جواہرات) بر تاج۔ رمہ قوم او در ہنگام باران آخر شناختہ می‌شوند، زیرا فرمان این است کہ در زمان باران آخر، باران آخر را بطلبید۔ این رمہ در تقابل با «رمہ‌ای» قرار دارد کہ بہ راہ خود رفتند، نہ بہ راہ طریق‌های قدیم ارمیا۔ در زمان باران آخر، آن جواہراتی کہ رمہ او هستند، اسب نیکوی او در جنگ خواهند بود۔ آن «اسب نیکو» همان کلیسای ظافر است کہ در نخستین عروس مسیحی نمود یافته بود؛ عروسی کہ بہ وسیلہ پطرس نمادین شدہ است، او کہ همچون اسب سفیدی در دورہ مهر اول بیرون رفت، غالب و برای غلبہ۔

و دیدم ہنگامی کہ برّہ یکی از مہرہا را گشود، و شنیدم کہ یکی از آن چہار حیوان، گویی با آوای رعد، می‌گفت: «بیا و ببین۔» و نگرستم، و اینک اسبی سفید؛ و آن کہ بر آن سوار بود، کمائی داشت؛ و تاجی بدو دادہ شد؛ و او بیرون رفت، فاتحانہ و برای آنکہ فتح کند۔ مکاشفہ ۶:۱، ۲

از این رو پطرس نماد نخستین کلیسای مسیحی رسولان در دوران ریزش باران پنطیکاست است، و نیز نماد آخرین کلیسای مسیحی در زمان باران آخر، کہ ریزش پنطیکاست نمونہ و پیش‌تصویر آن بود۔

اور میں نے آسمان کو کھلا ہوا دیکھا، اور دیکھو ایک سفید گھوڑا تھا؛ اور جو اُس پر سوار تھا وہ امین اور برحق کہلاتا تھا، اور وہ راست‌بازی سے عدالت کرتا اور جنگ کرتا ہے۔ اُس کی آنکھیں آگ کے شعلہ کی مانند تھیں، اور اُس کے سر پر بہت سے تاج تھے؛ اور اُس پر ایک نام لکھا ہوا تھا جسے کوئی آدمی نہ جانتا تھا، سوائے اُس کے خود۔ اور وہ خون میں ڈبوئی ہوئی پوشاک پہنے ہوئے تھا، اور اُس کا نام خدا کا کلام کہلاتا ہے۔ اور جو لشکر آسمان میں تھے وہ سفید گھوڑوں پر سوار، باریک کتان پہنے ہوئے، جو سفید اور پاک تھا، اُس کے پیچھے پیچھے چلے۔ مکاشفہ 19:11-14۔

سفید گھوڑے مسیح کی اُس فوج کی نمائندگی کرتے ہیں جو حرقی ایل 37 میں زندہ کی جاتی ہے، اور وہ کلیسای غالب ہیں، اور وہ تاج میں جڑے ہوئے پتھر ہیں، کیونکہ مسیح پچھلی بارش کے زمانہ میں اپنی جلالی بادشاہی قائم کرتا ہے۔ اُس کی بادشاہی کے نمائندوں کے طور پر ایک لاکھ چوالیس ہزار اُس تاج پر جواہرات ہیں جو اُس بادشاہی کی علامت ہے جسے وہ 2,300 دنوں کے اختتام پر حاصل کرتا ہے، جو 22 اکتوبر 1844 بھی تھا اور اتوار کے قانون کے وقت پھر ہوگا۔ سفید گھوڑوں کی وہ بادشاہی پچھلی بارش کے دوران برپا کی جاتی ہے، جب آسمان کی کھڑکیاں کھولی جاتی ہیں، کیونکہ یوحنا نے سفید گھوڑا اُس وقت دیکھا جب آسمان کھولا گیا۔

در ہیاہوی آلفای سال ۱۸۴۹، میلر برای لحظہ‌ای کوتاہ چشمان خود را در مرگ فروبست۔ میلر ایلیا بود، و ایلیا در ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ درگذشت، و بہ مدت ۱,۲۶۰ روز در کوچہ افتادہ بود تا آنکہ بہ ہیاہوی امگا رسید و سپس بیدار گردانیدہ شد۔ بیدار شدن او با آن زمان مشخص می‌شود کہ مردِ جاروی خاک، پنجرہ آسمان را گشود تا زبالہ‌ها را بیرون بروید۔ لشکر اسبان سفید ہنگامی برانگیختہ می‌شود کہ پنجرہ آسمان گشودہ می‌گردد، و چون این رخ دہد، جدایی راستین و دروغین آشکار می‌شود۔ این جدایی ہمچنین در کتاب ملاکی نیز مشخص شدہ است۔

تمام عشرہا را بہ مخزن‌ها بیاورید تا در خانہ من خوراک باشد؛ و اکنون مرا در این امر بیازمایید، یہوہ صباوت می‌گوید، کہ آیا روزنہ‌های آسمان را برای شما نخواہم گشود و برکتی بر شما فرو نخواہم ریخت، بہ گونه‌ای کہ جایی برای پذیرش آن نباشد۔ ملاکی ۳:۱۰

ارواح انبیا، تابع انبیا هستند، و یوحنا در مکاشفه، رؤیای میلر و ملاکی، سه شاهد را دربارهٔ زمانی فراهم می‌آورند که پنجره‌های آسمان گشوده می‌شوند. در رؤیای میلر، این در آمیگای دعوت «بیا و ببین» رخ می‌دهد. هیاهو در آلفا هنگامی بود که پراکندگی آغاز شد، و آمیگا زمانی است که گردآوری آغاز می‌شود.

پیش از آن که به بررسی بیشتر رؤیای میلر بپردازیم، می‌خواهیم تفسیر جیمز وایت دربارهٔ این رؤیا را نیز بیاوریم. جیمز وایت جواهرات حقیقی را قوم حقیقی خدا، و جواهرات تقلبی را شریران معرفی می‌کند. من جواهرات را حقایقی می‌دانم که در برابر خطا قرار دارند. جواهرات و جواهرات تقلبی، هر دو، هم پیام و هم پیام‌آوران‌اند که در تقابل با خطا و پیام‌آوران دروغین قرار گرفته‌اند.

«خواب برادر میلر»

«خواب ذیل دو سال سے زیادہ عرصہ پہلے ایڈونٹ ہیرالڈ میں شائع ہوا تھا۔ تب میں نے دیکھا کہ یہ ہمارے گزشتہ دوسرے ظہور مسیح کے تجربہ کو واضح طور پر نمایاں کرتا ہے، اور یہ کہ خدا نے یہ خواب پراگندہ گلہ کے فائدہ کے لیے عطا فرمایا تھا۔»

«در میان نشانه‌های نزدیک شدن روز عظیم و هولناک خداوند، خدا رؤیاها را قرار داده است. بنگرید به یوئیل ۲:۲۸-۳۱؛ اعمال ۲:۱۷-۲۰. رؤیاها ممکن است از سه راه پدید آیند: نخست، «از کثرت اشتغالات». بنگرید به جامعه ۵:۳. دوم، کسانی که زیر نفوذ روح ناپاک و فریب شیطان‌اند، ممکن است به واسطهٔ تأثیر او رؤیا ببینند. بنگرید به تثنیه ۸:۱-۵؛ ارمیا ۲۵:۲۳-۲۸؛ ۲۷:۹؛ ۲۹:۸؛ زکریا ۱:۲؛ یهودا ۸. و سوم، خدا همواره قوم خود را، کمابیش، از راه رؤیاها تعلیم داده است و هنوز نیز تعلیم می‌دهد؛ رؤیاهایی که به واسطهٔ کارگزاری فرشتگان و روح‌القدس پدید می‌آیند. آنان که در نور روشن حقیقت ایستاده‌اند، خواهند دانست که چه هنگام خدا به ایشان رؤیایی می‌بخشد؛ و چنین کسان به واسطهٔ رؤیاهای دروغین فریب نخواهند خورد و به بیراهه کشانده نخواهند شد.»

«و او گفت: اکنون سخنان مرا بشنوید؛ اگر در میان شما نبی‌ای باشد، من که یهوه هستم، خویشتن را در رؤیا بر او مکشوف خواهم ساخت، و در خواب با او سخن خواهم گفت.» اعداد ۱۲:۶. یعقوب گفت: «فرشتهٔ خداوند در خواب با من سخن گفت.» پیدایش ۳۱:۲. «و خدا در خواب شبانگاهی نزد لابان آرامی آمد.» پیدایش ۳۱:۲۴. خواب‌های یوسف را بخوانید، [پیدایش ۳۷:۵-۹] و سپس سرگذشت جالب تحقق آنها را در مصر. «در جبعون، خداوند در خواب شب بر سلیمان ظاهر شد.» ۱ پادشاهان ۳:۵۵. آن تمثال عظیم و بسیار مهم باب دوم دانیال در خواب داده شد، و نیز چهار وحش باب هفتم، و غیره. هنگامی که هیرودیس در پی هلاک ساختن نجات‌دهندهٔ طفل بود، یوسف در خواب هشدار یافت که به مصر بگریزد. متی ۲:۱۳.

«و در ایام آخر، خدا می‌فرماید، واقع خواهد شد که از روح خود بر تمامی بشر فرو خواهم ریخت؛ و پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، و جوانان شما رؤیاها خواهند دید، و پیران شما خواب‌ها خواهند دید.» اعمال ۱۷:۲.

«عطای نبوت، از طریق خواب‌ها و رؤیاها، در اینجا ثمرهٔ روح‌القدس است، و در ایام آخر باید به قدر کافی ظاهر شود تا نشانه‌ای را تشکیل دهد. این یکی از عطایای کلیسای انجیل است.»

«او برخی را رسولان عطا کرد؛ و برخی را انبیا؛ و برخی را مبشران؛ و برخی را شبانان و معلمان؛ برای تکمیل مقدسین، برای عمل خدمت، برای بنای بدن مسیح.» افسسیان ۴:۱۱، ۱۲.

«وَاللَّهُ قَدْ وَضَعَ أَنَاثَا فِي الْكَنِيسَةِ: أَوَّلًا رُسُلًا، ثَانِيًا أَنْبِيَاءَ»، إلخ. 1 Corinthians 12:28. «لَا تَحْتَقِرُوا النَّبَوَاتِ». 1 Thessalonians 5:20. وانظر أيضًا Acts 13:1؛ Romans 7:6؛ 21:9؛ 1 Corinthians 1. 14:1، 24، 39 فالأنبياء أو النبوءات إنما هم لبنان كنيسة المسيح؛ وليس ثمة دليل يمكن إيراد من

کلمه الله على أنها كانت ستزول قبل أن يزول المبشرون والرعاة والمعلمون. ولكن المعارض يقول: «لقد كثرت الرؤى والأحلام الكاذبة حتى إنني لا أستطيع أن أثق بشيء من هذا القبيل». وصحيح أن للشيطان زيفه المقلد. فلقد كان له دائماً أنبياء كذبة، ومن المؤكد أننا قد نتوقع وجودهم الآن في هذه الساعة الأخيرة من ساعاته في الخداع والانتصار. وأما الذين يرفضون مثل هذه الإعلانات الخاصة بسبب وجود المزيف، فإنهم، وبالقدر نفسه من الوجهة، يستطيعون أن يمشوا قليلاً إلى أبعد من ذلك فينكروا أن الله قد أعلن نفسه للإنسان قط في حلم أو رؤيا، لأن المزيف كان موجوداً دائماً.

«خوابها و رؤياها وسيلةای هستند که خدا از طریق آن خويشتن را بر انسان آشکار ساخته است. او از طريق اين وسيله با انبيا سخن گفته است؛ عطية نبوت را در شمار عطايای کليسای انجيل قرار داده، و خوابها و رؤياها را در زمره دیگر نشانههای «ايام آخر» محسوب داشته است.» آمين.
«مقصود من از ملاحظات فوق این بوده است که اعتراضات را به شیوهای کتاب مقدسی برطرف سازم و ذهن خواننده را برای مطالب بعدی آماده کنم.»
"دبليو. ايم. ملر،"

«لو همپتن، نیویورک، ۳ دسامبر ۱۸۴۷.» جیمز وایت، رؤیای برادر میلر، ۱-۶.

۱. «تابوت» نمایانگر حقایق عظیم کتاب مقدس است، مربوط به ظهور ثانوی خداوند ما عیسی مسیح، که به برادر میلر داده شد تا به جهان اعلام کند.»

۲. «کلید پیوست» شیوه او در تفسیر کلام نبوی بود—مقایسه کتاب مقدس با کتاب مقدس—کتاب مقدس، مفسر خود. برادر میلر با این کلید، «صندوقچه»، یا آن حقیقت عظیم ظهور را به روی جهان گشود.»

«3. «જે» વગેરે હીરા, જેવેસ» અને જાત બધી «જે» કદનેાં અને «અને હતાં» પેટીમાં તેમના તેમના સ્થાનોમાં તમામ જે, [Malachi 3:17,] છે પ્રતીક સંતાનોનું દેવના તેઓ, હતાં» ગોઠવાયેલા રીતે સુંદર અર્તિ જેમણે, હતાં પરસ્થિતિમાંથી અને સ્થિતિ દરેક વગભગ જીવનની અને કલીસચિાઓમાંથી માટે કાર્ય સત્યના પવતિર સ્થાનોમાં તેમના તેમના જે અને, હતો સ્વીકાર્યો વશિવાસ-આગમન પોતપોતાના વ્યક્તિ દરેક, વધતા આગળ કરમમાં આ. દેખાયા રહેલા ઊભા નરિભયતાપૂર્વક એવો પર જગત તેઓએ «ત્યારે, હતી ચાલતી નમરતાથી સમક્ષ દેવ અને રાખતી ધ્યાન કરતવયનું કરી જ કલીસચિા દવિસોની પ્રેરતિના માત્ર સમતા જેની કે» કર્યો પરાવર્તિત મહિમા અને પ્રકાશ, આમંત્રણ અને, ગયો વહેતો પર પાંખો પવનના તેમ કહેવાય એમ, [Revelation 14:6,7,] સંદેશ. શકે પ્રસરી સર્વત્ર સાથે અસર અને શક્તિ,» [Luke 14:17,] છે તૈયાર વસ્તુઓ બધી હવે કે કેમ, આવો.» ચું.

4. "ammā be enjomā'ī, āmadan rā āghāz kardand, nakhost ba tedādī" tedādī" anboh افزوده "Hengāmī ke ta'lim-e zuhur-e Masiḥ avvalīn bār توسط Barādar shodand." Miller va chand تن پس اندک dīgar mow'eze shod, تأثیر آن اندک بود, va besyār andak kasān az ān bidār گردیدند؛ 1844 tā 1840 ammā az kasān az jā ke mow'eze می شد، tamām-e jāme'e be hayajān va bidārī واداشته می شد."

۵. «هنگامی که فرشته پرنده [مکاشفه ۱۴:۶-۷] نخست آغاز به موعظه بشارت جاودانی کرد، «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است»، بسیاری با نظر به آمدن عیسی و اعاده، فریاد شادی برآوردند؛ همانانی که پس از آن، با حقیقتی که اندکی پیشتر ایشان را از شادی لبریز کرده بود، به مخالفت برخاستند و آن را استهزا و تمسخر کردند. آنان جواهرات را پریشان و پراکنده ساختند. این ما را به پاییز سال ۱۸۴۴ می رساند، زمانی که دوره پراکندگی آغاز

شد.»

«این را به خاطر بسپارید: آنان که زمانی «از شادی بانگ برمی‌آوردند» همان کسانی بودند که جواهرات را آشفته و پراکنده کردند. و از سال 1844 بدین‌سو، هیچ‌کس به اندازه‌ی کسانی که زمانی حقیقت را موعظه می‌کردند و در آن شادی می‌نمودند، اما از آن پس کار خدا و تحقق نبوت را در تجربه‌ی ادونتی گذشته‌ی ما انکار کرده‌اند، گله را چنین به‌طور مؤثر پراکنده و گمراه نساخته است.»

«۶. «جواهرات بدلی و سکه‌ی تقلبی» که در میان گوهرهای اصیل پراکنده شده بودند، به‌روشنی نمایانگر ایمان‌آوردگان کاذب، یا «فرزندان بیگانه» هستند، [5:7] [5:7] از زمانی که در رحمت در سال ۱۸۴۴ بسته شد.»

«۷. «خاک و تراشه‌ها، شن و هر گونه زباله»، نمایانگر خطاهای گوناگون و پرشماری است که از پاییز 1844 به این سو در میان ایمانداران ظهور ثانی راه یافته‌اند. در اینجا به چند مورد از آنها اشاره خواهیم کرد.

«۱. موضعی که برخی از «شبانان» بلافاصله پس از اعلام فریاد نیمه‌شب، با جسارتی گستاخانه اختیار کردند، این بود که آن قدرت جدی و ذوب‌کننده روح‌القدس که همراه حرکت ماه هفتم بود، نفوذی مسمریستی بوده است. جرج استورس از نخستین کسانی بود که این موضع را اختیار کرد. نوشته‌های او را در بخش پایانی سال 1844، در Midnight-Cry که آن زمان در شهر نیویورک منتشر می‌شد، ببینید. ج. و. هایمز در کنفرانس آلبانی در بهار 1845 گفت که حرکت ماه هفتم، مسمریسمی به عمق هفت پا پدید آورد. این را کسی که حاضر بود و آن گفته را شنید، به من خبر داده است. دیگرانی نیز که در فریاد ماه هفتم نقشی فعال داشتند، از آن زمان به این سو آن حرکت را کارِ ابلیس اعلام کرده‌اند. نسبت دادن کارِ مسیح و روح‌القدس به ابلیس، در ایام نجات‌دهنده ما کفر بود، و اکنون نیز کفر است. ۲. آزمایش‌های بسیار درباره‌ی زمان معین. از آنجا که 2300 روز در 1844 پایان یافت، افراد گوناگون زمان‌های متعددی را برای پایان یافتن آن تعیین کرده‌اند. با این کار، «حدود» را از جای برداشته‌اند و بر سراسر جنبش ادونت، تاریکی و تردید افکنده‌اند. ۳. اسپیریسم با همه خیالات و افراط‌هایش. این حيله ابلیس، که کاری هولناک از مرگ به انجام رسانده است، به‌درستی با «پوشال چوب» و «هر گونه زباله» نمایانده شده است. بسیاری از آنان که زهر اسپیریسم را فروبردند، حقیقت تجربه گذشته ادونتی ما را پذیرفتند، و از همین واقعیت، بسیاری به این باور کشانده شده‌اند که اسپیریسم ثمره طبیعی این اعتقاد بوده است که خدا جنبش‌های بزرگ ادونت را در 1843 و 1844 هدایت کرد. پطرس، در سخن از آنان که «بدعت‌های هلاک‌کننده را پنهانی داخل خواهند کرد، و حتی خداوندی را که ایشان را خریده است انکار خواهند نمود»، می‌گوید: «به سبب ایشان، طریق حق مورد بدگویی واقع خواهد شد.» ۴. اس. اس. اسنو که مدعی بود «ایلیای نبی» است. این مرد نیز در سیر عجیب و مهارگسیخته خود، نقش خویش را در این کار مرگ ایفا کرده است، و روش او گرایشی داشته است که موضع حقیقی مقدسان منتظر را در ذهن بسیاری از جان‌های صادق، بی‌اعتبار سازد.»

«به این فهرست خطاها می‌توانستم بسیاری دیگر نیز بیفزایم، مانند «هزار سال» مکاشفه ۲۰:۴، ۷ در گذشته، ۱۴۴,۰۰۰ نفر مکاشفه ۷:۴؛ ۱۴:۱، آنان که پس از قیام مسیح «برخاسته، از قیرها بیرون آمدند»، آموزه ترک کار، آموزه نابودی اطفال، و غیره و غیره. این خطاها با چنان جدیتی اشاعه داده می‌شد و بر گله منتظر تحمیل می‌گردید که در زمانی که برادر میلر آن رؤیا را دید، جواهرات حقیقی «از نظر پنهان شده بودند»، و سخنان نبی مصداق می‌یافت—«و داوری به عقب رانده شده است، و عدالت از دور ایستاده است»، و غیره و غیره. بنگرید به اشعیا ۵۶:۱۴.»

«در آن زمان، در سراسر سرزمین، هیچ نشریه ادونتی وجود نداشت که از آرمان حقیقت حاضر دفاع کند. «دی-داون» آخرین نشریه‌ای بود که از موضع راستین گله کوچک پاسداری می‌کرد؛ اما

آن نیز چندین ماه پیش از آنکه خداوند این رؤیا را به برادر میلر عطا کند، از میان رفت؛ و در واپسین تقلاهای جان سپارانه خود، مقدسان خسته و آهکش را به سال 1877 - که در آن هنگام سی سال در آینده بود - به عنوان زمان رهایی نهایی ایشان رهنمون شد. افسوس! افسوس! جای شگفتی نیست که برادر میلر در رؤیای خود «نشست و گریست» بر این وضع اندوه بار امور.»

۸. تابوت، نمایانگر حقیقت ظهور است که برادر میلر آن را، چنان که در مثل ده باکره ترسیم شده است، به جهان اعلان کرد. متی ۲۵: ۱-۱۱. نخست، زمان، ۱۸۴۳؛ دوم، زمان تأخیر؛ سوم، ندای نیمه شب، در ماه هفتم ۱۸۴۴؛ و چهارم، در بسته. هیچ کس که از سال ۱۸۴۳ بدین سو اوراق ظهور ثانی را خوانده باشد، انکار نخواهد کرد که برادر میلر این چهار نکته مهم را در تاریخ ظهور تعلیم داده است. این دستگاه هماهنگ حقیقت، یا «تابوت»، به وسیله کسانی پاره پاره شده و در میان خاکوبه ها پراکنده گردیده است که تجربه خویش را رد کرده اند و همان حقایقی را انکار نموده اند که خود ایشان، همراه با برادر میلر، بی باکانه به جهان موعظه کرده بودند.»

۹. آن مردی که «برس غبار رویی» را در دست دارد، نماینده نور روشن حقیقت حاضر است، چنان که به وسیله پیام فرشته سوم [مکاشفه ۹: ۱۴-۱۲] آشکار شده است؛ همان پیامی که اکنون خطاها را از میان باقی ماندگان می زداید. کار حقیقت حاضر در بهار سال ۱۸۴۸ آغاز به احیا شدن کرد، و از آن زمان تا کنون پیوسته اوج گرفته و نیرو یافته است. «برس غبار رویی» در حرکت بوده است، و خطاها در برابر نور روشن حقیقت در حال زایل شدن بوده اند؛ و برخی از جواهرات گران بها که تا اندک زمانی پیش در تاریکی و خطا پوشیده و از نظر پنهان مانده بودند، اکنون در نور روشن حقیقت حاضر ایستاده اند.»

«این کار بیرون آوردن جواهرات و پاک کردن خطا، به سرعت در حال افزایش است و مقدر است با قدرتی فزاینده پیش رود، تا آن گاه که همه مقدسان جست و جو شوند و مهر خدای زنده را دریافت کنند. این را با باب سی و چهارم حزقیال مقایسه کنید، و خواهید دید که خدا وعده داده است که گله خود را، که در این روز تاریک و ابری از سال 1844 به این سو پراکنده شده اند، جمع کند. پیش از آن که عیسی بیاید، «گله کوچک» در «یگانگی ایمان» گرد آورده خواهد شد. عیسی اکنون «قومی خاص برای خود، غیور در اعمال نیکو» را پاک می سازد، و چون بیاید، «کلیسای خود را خواهد یافت که نه لکه ای دارد، نه چروکی، و نه چیزی از این گونه.» «او که غربال خود را در دست دارد، خرمنگاه خویش را به کمال پاک خواهد کرد، و گندم خود را در انبار جمع خواهد نمود، الخ.» متی 3:12.

۱۰. دومین «صندوقچه ای بسیار بزرگ تر و زیباتر از اولی» که «جواهرات»، «الماس ها» و سکه های پراکنده در آن گرد آورده شدند، نمایانگر میدان گسترده حقیقت زنده حاضر است که گله پراکنده در آن جمع خواهد شد، یعنی همان ۱۴۴,۰۰۰ نفر، که همگی مهر خدای زنده را دارند. حتی یک الماس گران بها نیز در تاریکی باقی نخواهد ماند. هر چند بعضی از آنها از نوک یک سنجاق نیز بزرگ تر نیستند، از نظر دور نخواهند ماند و در این روز که خدا جواهرات خویش را فراهم می آورد، بیرون گذاشته خواهند شد. [ملاکی ۳: ۱۶-۱۸] او می تواند فرشتگان خود را بفرستد و ایشان را به شتاب روانه سازد، همان گونه که لوط را از سدوم بیرون آورد. «زیرا خداوند کاری کوتاه بر زمین خواهد کرد.» «او آن را در عدالت کوتاه خواهد ساخت.» رومیان ۹: ۲۸ را ببینید. James White.

Footnotes to Brother Miller's Dream